

قبلا نوشتم :

درقرنی که گذست و در تمام وقایعی که به استعمار جهانی بهره رسانده است ، جای پای دو دانشمند محتاج ( زیگموند فروید از نظر مالی و دختر او آنا فروید ، فقر روانی و احساسی ی شدید به اصلاح و جبران اعمال نا انسانی خانواده ، که به خودکشی اعتراض آمیز او منجر شد ) و یک سود جوی فرصت طلب ( ادوارد برنیز ، خواهرزاده ی فروید ) بچشم می خورد که از نظر بیشتر جهانیان پوشیده مانده است .  
یادداشتها و فیلم های مستند خصوصی که برای موارد تحقیقاتی آنها ( در مورد Edward Bernays فقط بخاطر جاه طلبی، خودنمایی و حس قدرت طلبی ی حیوانی ) تهیه شده بود ، بعدا توسط آنا فروید ، در اثر احساس گناه ، و مرگ مرلین مونرو به مراجع خبری ی تحقیقاتی رسید و بر ملا شد .  
ولی باز هم بیشتر بنی آدم ، به آن توجهی نشان نداند .

همانطور که قبلا نوشتم : بیان این ماجراهای واقعی و مستند ، فقط بخاطر اینست که نشان دهم چگونه استعمار جهانی از علوم مختلف ، بسود خود بهره می گیرد تا کنترل بنی آدم ، چه از نظر اقتصادی و یا افکار سیاسی او ، برایش راحت تر باشد و همانگونه که به آنها از طریق تبلیغات دوچرخه ، تلویزیون و غیره می فروشد ، بتواند برای آنها رئیس جمهور ، پادشاه و غیره انتخاب ، و یا بنفع خود حکومت عوض کند و از نام دهان پرکن دموکراسی ، بر ضد بیشتر مردم بیچاره ی جهان استفاده کند .  
البته باصطلاح روشنفکران ، ولی خام ایده ولوژیکی دینی - سیاسی هم ندانسته بدام می افتند و بقول معروف : از مراد ان خود ، کور کورانه پیروی کرده ، عاملی برای پیشبرد افکار آنها و بدبختی ی خود و بقیه ی بنی آدم می شوند )

استعمار ، آموخته است که از اتودینامیک درونی ی حیوانی ی بعضی از بنی آدم بهره بگیرد و آنها را به استخدام خود در بیآورد و کثیف ترین اعمال و جنایات را از طریق آنها انجام دهد و جای پا و اثر انگستی هم از خود بر جا نگذارد .

اما مانند تمام جنایات ، حتما آثاری بجا خواهد ماند که در مراحل ابتدایی قابل رویت و لمس نیست ، ولی با جبر هستی و فرگشت علوم مختلف و ابزار تحقیقی ، رد پا و آثار جنایت و عامل بوجود آورنده آن ، برای جهانیان بر ملا خواهد شد که در قسمتهای مختلف این نوشتار ، به شما با دلیل ارایه داده خواهد شد ، تا با خرد ذاتی ، به نتیجه ی دلخواه خود برسید .

بیشتر این نوشتار بر روی ادوارد برنیز Edward Bernays دور می زند و دریک سوم مطلب ، بقول معروف : پای زیگموند فروید و آنا فروید ، بعنوان منبع اصلی افکار و تز مورد استفاده ی کاربر به میان کشیده می شود و با آثار مستند و شرح تاریخ ، افکار خود را بشما تقدیم می کنم که چگونه تکامل بیشتر افکار ، چه خوب و چه شیطانی ، به

اتودینامیک درونی خوب و بد اشخاصی بستگی پیدا می کند که در اثرگذشت زمان ، آن افکار بشکل های گوناگون دیگری تبدیل و باز سازی شده ، مورد استفاده ی مجدد قرار می گیرد .

البته این نوشتار با موقعیت و اوضاع مام وطن و بخصوص ایرانیان عزیز رابطه مستقیم دارد و چون ایرانیان ، اجزایی از جهانیان هستند ، شرح خواهم داد که چگونه افکار نوین استعماری ، در تاریخ پانصد سال گذشته و بخصوص تاریخ سد سال معاصر ایران ، تاثیر بسزایی داشته و ما را در **منجلابی تاریخی** انداخته است .

**از ایراندوستانی که سابقه ی قبلی مطلب را ندارند و مایل هستند که بدانند ، تقاضا می کنم آگاهی دهند ، تا آنرا ضمیمه این مطلب کنم . اینکار را انجام نداده ام تا حجم مطلب کمتر شود . ضمناً اگر مایل به دریافت اینگونه مطالب نیستید ، اطلاع دهید تا شما را از لیست خود بیورم .**  
علی